

بررسی عوامل مؤثر در همگرایی مردم با نظام در اندیشه امام خمینی (س)

عبدالله عطایی^۱

سجاد علی محمدی^۲

چکیده: از زیربنایی‌ترین راهبردهای نظام اسلامی در حفظ و تقویت حکومت اسلامی و با هدف تحقق آرمان‌های دینی و اسلامی، ایجاد زمینه تشریک مساعی دولت و ملت و همگرایی مردم با نظام است. برای نیل به این مقصود نیاز به بازشناسایی و تبیین دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در این باره است. در این پژوهش که به شکل توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته، چنین به‌دست آمده که ایجاد همگرایی بین مردم و نظام، مبتنی بر عواملی چون وجود نهاد مرجعیت دینی و رهبری سیاسی، رضایتمندی و مشارکت مردم در امور و قانون‌مداری مسئولان است و امام خمینی با استفاده از نهاد مرجعیت و رهبری و تأسیس حکومت اسلامی در قالب جمهوریت، با اقداماتی مثل مشارکت دادن مردم در اداره کشور، محوریت دادن به اصل تکلیف، قانون و عدالت اجتماعی؛ گفت‌وآموزی ساده‌زیستی، ایجاد وحدت میان مردم، فقرزدایی، ایثارگری و به رسمیت شناختن حق نظارت برای مردم به تحقق عوامل همگرایی عینیت بخشید.

کلیدواژه‌ها: همگرایی مردم، اندیشه سیاسی امام، جمهوریت، مشارکت، قانون‌مداری، عدالت محوری.

۱. استادیار تاریخ، گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.

E-mail: A.ataei@basu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا

همدان، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

E-mail: sajadalimohamadi@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳

پژوهشنامه متین/سال بیستم/شماره هشتاد/ پاییز ۱۳۹۷/صص ۹۳-۶۹

۱. مقدمه

مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و استقرار نظام اسلامی برخاسته از اراده مردم است. جایگاه حکومت و نقش آن در پیشبرد اهداف اسلامی در خلال کلام خدا و رسول (ص)، سیره و رفتار امامان^(ع) ترسیم شده و توسط علمای اسلامی به‌ویژه فقهای عظام به‌خوبی تبیین و بر کرسی اثبات نشانده شده است. آنچه در کتاب خدا و سنت معصومین^(ع) مشهود است، تأکید بر تعامل و تشریک‌مساعی حکومت با مردم و همگرایی مردم با حکومت است. اهمیت مقوله همگرایی از جهات مختلفی؛ همانند تأثیرگذاری در قوام و ثبات حاکمیت اسلامی، به حداقل رساندن آسیب‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی و رشد و پیشرفت نظام از جنبه‌های مختلف قابل ارزیابی است و بررسی آن از دیدگاه و سیره عملی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی که با رهبری دایمانه خود توانست با ایجاد همگرایی بین مردم و رهبری مبتنی بر ایدئولوژی دینی، انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی برساند از جایگاه خاصی برخوردار است. بر این اساس، بازنشاسایی و تبیین عوامل و عناصر اصلی ایجادکننده همگرایی مردم با نظام اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی و اقدامات ایشان در این خصوص، هدف اصلی نوشتار حاضر را مشخص می‌نماید. برای نیل به این مقصود به دست آوردن راه‌های حفظ و ارتقای همگرایی مردم با نظام در اندیشه فقهی سیاسی ایشان مورد تأکید است. از این‌رو، پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی مسأله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که در اندیشه سیاسی امام خمینی چه عواملی در ارتقای همگرایی مردم با نظام جمهوری اسلامی ایران مؤثرند و ایشان در این‌باره چه اقداماتی انجام داده است؟

۲. مفاهیم و مبانی نظری

۲-۱. همگرایی

همگرایی در لغت به معانی هم‌فکر شدن، یگانگی، یکی بودن، اتحاد و... آمده است (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۴: ۲۳۱). وحدت و انسجام در این معنا در برابر مفاهیمی چون کثرت، پراکندگی و تفرقه قرار دارد.

همگرایی واژه‌ای هم‌خانواده با همبستگی است. در مورد همبستگی اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است از جمله: احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آن‌هاست. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن

در سطح یک گروه و یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به صورت متقابل نیازمند همدیگر هستند (بیرو ۱۳۸۰: ۴۰).

همگرایی یا همبستگی اجتماعی با توجه به اهمیتش در وحدت بخشی به ساختارهای مدنی و سیاسی جامعه به عنوان یک اصل اساسی همواره مورد تحقیق و تأکید افراد و ادیان بوده است. ابن خلدون با طرح نظریه عصبیت و معنا کردن آن به پیوند درونی و خونی، به نوعی همبستگی اجتماعی مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی ناشی از روابط نسبی و سببی تأکید داشته است و یا اینکه منتسکیو در تحلیل انواع حکومت‌ها به موضوع سازمان اجتماعی که لازمه نوعی همبستگی ملی است توجه نشان داده است (ریمون ۱۳۹۳: ۲۶). ژان ژاک روسو معتقد است: «همه اعضای جامعه به گونه‌ای با یکدیگر متعهد شده‌اند که همه استعدادها و توانایی‌های شخصی و فردی خود را برای حمایت همه جانبه از دیگران به کار بندند. بدین وسیله از حمایت‌های همه جانبه دیگران بهره‌مند خواهند شد.» بنابراین، این تعهد دوسویه و قرارداد اجتماعی، عامل ایجاد و ضامن بقای همبستگی اجتماعی است (آبراهامز ۱۳۶۳: ۸۴-۸۵). وجه مشترک دیدگاه‌های مذکور تأکید بر جنبه‌های بیرونی و غیر معنوی قضیه است؛ در حالی که در مکتب اسلام التفات به دین و عمل به تکالیف شرعی، به عنوان عامل درونی و اعتقادی، قوام بخش اجتماع سیاسی و مدنی معرفی شده است. مکتب اسلام برای سعادت بشر دسته‌ای از بینش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های ویژه را به عنوان ارزش معرفی کرده و از همه مؤمنان خواسته که از مسیرهای پذیرفته شده به این اهداف دست یابند و با توجه به کارکرد مثبت همگرایی، در آموزه‌های خود به مردم توصیه کرده با حفظ همبستگی خویش به ریسمان الهی چنگ بزنند و از تفرقه پرهیزند: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). این سفارش در کلام و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز به وضوح مشهود است. پیامبر (ص) از زمان بعثت تا رحلت، همواره با اقداماتی همانند ساختن مسجد، ایجاد عقد اخوت و برادری میان امت، در جهت نفی تفرقه و تقویت پایه‌های وحدت، همبستگی و همدلی میان امت اسلام گام برمی داشت (زرگری نژاد ۱۳۸۳: ۴۵-۴۶). امام علی (ع) می‌فرماید: «شما دست از اطاعت کشیدید و با احکام جاهلیت، دژ محکم الهی را که بر شما قرار داده شده بود، شکستید؛ در حالی که خدای منزله بر این امت منت گذاشته بود در آنچه بین آنها منعقد کرده، از ریسمان این الفت که در سایه آن زندگی کنند و در پناه آن به نعمتی برسند که هیچ یک از مخلوقین نتواند ارزش آن را بشناسند؛ زیرا که آن از هر بهایی گران قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود» (نهج البلاغه: ۲۸۱).

برخی ذهنیت و سرگذشت تاریخی مشترک، هدف و درد مشترک یا دین مشترک را از مهم‌ترین مؤلفه‌های همگراسازی می‌دانند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۶) و تعدادی نیز فرهنگ، پرچم، محدوده جغرافیایی و زبان را از دلایل ایجاد همگرایی معرفی می‌کنند (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۲۳). در اندیشه سیاسی امام خمینی علاوه بر عناصری همچون جغرافیا، زبان، تاریخ و نظایر آن، عناصر بنیانی‌تر معنوی، در همگرایی پایدارتر و سرنوشت‌سازتر مردم در ارتباط با همدیگر و با نظام اسلامی موثرتر دانسته شده است. ایشان در عرصه هدف و مقصد به دو رکن مهم انگیزه الهی و تشکیل حکومت اسلامی توجه خاصی دارند (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۰۴). این دو عامل می‌توانند در نقطه تحلیلی مناسب در جهت شناسایی ویژگی‌ها، ابعاد و اهداف همگرایی مردم با نظام قرار گیرند.

۲-۲. حکومت اسلامی و منشأ مشروعیت آن

در مفهوم عام، حکومت اسلامی اشاره به وجود سازمانی دارد که کلیه ارکان آن نشأت گرفته از اسلام باشد. به عبارت دیگر «حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت همه‌جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است؛ یعنی دولت و نهادهای مختلف آن خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب خاصی متعهد می‌دانند» (واعظی، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱). به دلایل فراوانی تشکیل حکومت اسلامی ضرورت دارد که جای بحث از آن‌ها در این پژوهش نیست و تنها به یک آیه اشاره می‌شود. خداوند متعال در یکی از آیات هدف از ارسال رسولان را رفع اختلافات میان مردم معرفی می‌نماید (بقره: ۲۱۳). در تفسیر آن گفته شده است: «خداوند سبحان در این آیه نمی‌فرماید پیامبران به وسیله تبشیر و انذار اختلافات جامعه را رفع می‌کنند، بلکه می‌فرماید به وسیله حکم، اختلافات آن را برمی‌دارند؛ زیرا حل اختلافات بدون حکم و حکومت امکان‌پذیر نیست» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۴).

سیره پیامبر^(ص) نیز مبنای لزوم تشکیل حکومت اسلامی است. این مسأله در منظر امام خمینی جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، حکومت و زمامداری پیامبر اکرم^(ص) و امام علی^(ع) را به مثابه دو جزء لاینفک، محور بحث‌های خویش در رابطه با ضرورت تشکیل حکومت قرار داده (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۹) و در این باره می‌گوید:

سنت و رویه پیغمبر اکرم^(ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است زیرا: اولاً، خود تشکیل حکومت داد. و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داده، و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته، و به اداره جامعه برخاسته است....

ثانیاً، برای پس از خود به فرمان خدا تعیین «حاکم» کرده است. وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر اکرم (ص) تعیین حاکم می‌کند، به این معناست که حکومت پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز لازم است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۲۶). با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است؛ و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد (امام خمینی ۱۳۸۱: ۳۰).

از دیدگاه ایشان در زمینه تأسیس نظام سیاسی دو مسأله اساسی مطرح است؛ نخست اینکه چه کسی باید حکومت کند که در حقیقت این مسأله، منشأ مشروعیت است. دوم در خصوص شکل و ساختار حکومت اسلامی است. از دیدگاه فقه اسلامی، مشروعیت حکومت و حاکم اسلامی از جانب خداوند متعال است؛ اما تحقق و استمرار آن، بستگی به پذیرش جامعه و مقبولیت مردمی دارد. به عبارت دیگر مردم زمینه‌ساز تحقق و استمرار حاکمیت اسلامی هستند و اگر آن‌ها نخواهند نظام اسلامی محقق نخواهد شد (جوادی آملی ۱۳۸۷: ۹۱). امام خمینی نیز با اذعان به مشروعیت حاکمیت اسلامی از نوع الهی می‌گوید: «کسی جز خدا، حق حکومت بر کسی ندارد و حق قانون‌گذاری نیز ندارد و خدا به حکم عقل باید خود برای مردم، حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند؛ اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده ... است» (امام خمینی بی تا: ۱۸۴).

۳. اهمیت و ضرورت همگرایی مردم با نظام

در بازشناسایی و تبیین اهمیت برون داده‌های همگرایی مردم با نظام به چند مورد مبنایی اشاره می‌گردد:

۳-۱. مردم رکن اساسی در تأسیس نظام سیاسی - اسلامی

بی‌شک مبنایی‌ترین برون داده همگرایی مردم و نظام، ضرورت تأسیس یک نظام سیاسی - اسلامی در دوران مبارزات انقلابی است و ایدئولوژی دینی، اندیشه هویت‌بخش به انقلاب اسلامی ایران است که با اهتمام و رهبری امام خمینی، به پیوستگی میان اقشار مختلف مردم و روحانیون منجر شد و بدین وسیله فروپاشی سیستم حکومتی پهلوی دوم را رقم زد. از این رو عنصر مردم، به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل، در سیستم حکومتی جدید نقشی محوری یافت و امام خمینی در لوای نظام مردم‌سالاری دینی به آن هویتی حقیقی بخشید و برای آنها حقوق اساسی مساوی قائل شد (امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۳۱). مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز مشارکت مردمی و در نتیجه همگرایی مردم

با نظام که با ارشاد، نظارت و هدایت امام تحقق یافت، باز گذاشتن دست مردم برای تعیین نوع حکومت بود که با بیعت اولیه، نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و با تدوین قانون اساسی زمینه‌های مختلف مشارکت عمومی و سیاسی مردم به شکلی قانونی فراهم گردید. برای نیل به این مقصود، امام خمینی همواره مردم را به مشارکت گسترده برای سازندگی کشور فرامی‌خواند: «ما باید از سر، یک مملکت را بسازیم. نه دولت [به تنهایی] همچو کاری می‌تواند بکند نه بعضی اقشار ملت. باید همه با هم دست به هم بدهند. اگر ان شاء الله همه دست به هم دادند، این مملکت از این آشفتگی خارج می‌شود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۸۶). از این رو با صدور فرمان‌هایی برای تأسیس نهادهای مردمی مثل جهاد سازندگی، کمیته امداد امام خمینی، بسیج مستضعفین و... به این حرکت تسریع بخشید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۶۷، ج ۸: ۱۸۰).

۲-۳. حفظ نظام اسلامی

حفظ حکومت، بی‌شک حیاتی‌ترین مسأله پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. عامل مهم و تعیین کننده در حفظ حکومت اسلامی، همگرایی مردم با نظام است که نمود کامل آن را می‌توان در حضور گسترده اقشار مختلف مردم در جبهه‌های جنگ در دوران دفاع مقدس و نیز سایر صحنه‌های دفاع از کیان نظام دید و این به دلیل آن است که مردم، ساختار قدرت سیاسی نظام کنونی را منبعث از اراده و خواست خود دانسته و حفظ و استمرار حکومت را تجلی اراده خود و اختلال به آن را اختلال به نظام ساخته خویش می‌دانند.

با توجه به اهمیت حفظ نظام اسلامی، ضرورت و اهمیت همگرایی مردم با دولتمردان روشن می‌شود. آیت‌الله حکیم می‌گوید: وجوب حفظ نظام، از نوع واجب کفایی است و در صورتی که در شخص خاصی متعین گردد، واجب عینی می‌شود و اگر بین حفظ نظام و سایر احکام شخصی یا اجتماعی تراحم واقع شود، حفظ نظام مقدم بر آن‌هاست (حکیم ۱۴۱۸: ۶۹). امام خمینی در کتاب **ولایت فقیه** بیان می‌دارد: احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ»، امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به‌طور کلی است؛ و امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۳۳).

جنبه خارجی همگرایی، تجلی مشروعیت حاکمیت در عرصه بین‌المللی و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا پیوستگی مردم و نظام می‌تواند به‌عنوان مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. هر

دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید، در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بالاتری برخوردار می‌گردد (شعبانی ۱۳۸۰: ۴).

۳-۳. ظرفیت‌سازی برای نظام

همگرایی مردم و نظام، بی‌شک باعث افزایش مشارکت جدی مردم در ساختن کشور می‌شود و راه را بر دولتمردان در راستای بهینه‌سازی بسیاری از قابلیت‌ها و راهبردهای مسیر توسعه و پیشرفت کشور، هموار می‌سازد و در نتیجه، دستیابی به اهداف و آرمان‌های اصیل انقلابی اسلامی را تسهیل می‌نماید.

همگرایی معطوف به فرهنگ اسلامی، محیط ساز و هویت‌بخش به سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و غیره است و به طرق مختلفی از تأثیرگذاری برخوردار است. به‌عنوان مثال در حوزه سیاسی، اقبال عمومی را در مشارکت سیاسی افزایش داده و مردم با مشارکت عمومی در سرنوشت مشترک خود، خویش‌ن را با حکومت و مدیریت کلان جامعه هم‌نوا، هم‌هدف و هماهنگ می‌بینند و مبنی بر آن به تعامل مثبت با دستگاه حکومتی می‌پردازند که این پدیده به‌طور طبیعی به مدیریت جامعه، در سازمان‌دهی و هدایت مردم و نیز حرکت در چارچوب قوانین و مقررات موجود و ثبات سیاسی کمک شایانی می‌نماید. در حوزه اقتصاد، همگرایی سبب ترغیب به ارجحیت منافع و مصالح عمومی بر منافع شخصی می‌گردد. به‌عنوان مثال، اقبال عمومی در پرداخت مالیات و وجوهات شرعی همانند خمس و زکات، از سویی توانمندی دولت را در ارائه خدمات عمومی و رفاهی به جامعه افزایش داده و از دیگر سو شکاف طبقاتی ناشی از تقسیم نامتوازن ثروت‌ها را تعدیل می‌نماید که این مسأله خود به ثبات اقتصادی و اجرای عدالت اقتصادی یاری می‌رساند (شعبانی ۱۳۸۰: ۴).

۴. عوامل مؤثر در همگرایی مردم با نظام

با رجوع به اندیشه نظری و رویکرد عملی امام در دوران رهبری، می‌توان به نقطه تحلیلی مناسبی برای فهم و درک جایگاه همگرایی مردم با نظام و عوامل مؤثر در آن رسید. در ذیل به مواردی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در همگرایی مردم با نظام اشاره می‌گردد:

۴-۱. مرجعیت دینی و رهبری سیاسی

مفهوم مرجعیت و لزوم اطاعت از مجتهد جامع الشرایط دقیقاً از مبانی فقهی و کلامی شیعه نشأت می‌گیرد. این مبانی به همان ترتیب که مجتهدین شیعه را در موقعیتی والا قرار می‌دهد، مردم را نیز به اطاعت از آن‌ها فرامی‌خواند. بر این اساس، مفهوم مرجعیت در ذات خود دارای دو مفهوم «اجتهاد» و «تقلید» است؛ زیرا چنانکه گفته شده، مکتب تشیع در کنار یک رشته اصول اخلاقی، یک سلسله قوانین و مقررات درباره اعمال انسانی در زندگی اجتماعی دارد که می‌بایست انسان مکلف رفتارهای فردی و اجتماعی خود را با آن مطابقت داده و از دستورات شریعت پیروی نماید. از آنجا که دستورات دینی کلی و محدود بوده و در مقابل، افعال انسانی و حوادث روزمره نامتناهی می‌باشند، بنابراین شناختن احکام اسلامی به عنوان یک تکلیف شرعی تنها از راه اجتهاد میسر می‌گردد. لذا با توجه به این که انجام این وظیفه برای همه مقدور نیست، در نتیجه افرادی که توانایی اجتهاد ندارند، وظیفه خود را از طریق تقلید از مجتهد جامع الشرایط، به انجام می‌رسانند (طباطبایی ۱۳۴۱: ۱۷).

مرجعیت در مکتب تشیع، در واقع نوعی استمرار امامت در عصر غیبت است. مرجعیت دینی، زمینه‌ساز رهبری سیاسی نیز است؛ چرا که علاوه بر عقلانی بودن تقلید از مجتهد، تأکید امام معصوم^(ع) نیز بر آن قرار گرفته است. پیامد این تأکید، پشتوانه مستحکم مردمی است که به موجب آن، مرجع تقلید از توانایی‌های سیاسی - اجتماعی در کنار توانمندی‌های دینی برخوردار می‌شود (اشرفی ۱۳۸۲: ۱۱). اطلاق حجت بر فقیه عادل که در متون اسلامی آمده (ر.ک: حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۳۷: ۱۴۰)، این اعتقاد و باور را ایجاد می‌کند که این قدرت، فراتر از اطاعت از قدرت‌های مادی است. به دلیل وجود همین ویژگی در امام خمینی، بستری مناسب برای همگرایی مردم و تبعیت از فرمان‌های ایشان به وجود آمد. در واقع عنصر تکلیف‌گرایی در کنار عنصر مرجعیت، همگرایی مقلدان را با مراجع منتج می‌شود که خود بر محور تکلیف فتوا می‌دهند و عمل می‌کنند. لذا می‌بینیم تکلیف‌گرایی و عمل بر اساس تکلیف، جایگاه مهمی در فهم اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی دارد و در این زمینه تصریح می‌نمایند: «اگر عمل برای خدا باشد اگر نهضت برای خدا باشد، شکست ندارد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۹-۸).

مرجعیت دینی، همراه با رهبری سیاسی امام خمینی، همگرایی تکلیف‌محور مردم را با روحانیون موجب شد و پس از تأسیس نظام سیاسی جدید استمرار یافت، با این تفاوت که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، همگرایی مردم با روحانیون و رهبری امام خمینی، در مقابله با حکومت پهلوی دوم خلاصه می‌شد، ولی با تشکیل حکومت اسلامی، همگرایی مردم، صرفاً

با رهبری نبود، بلکه با تمامی بازیگران سیستم سیاسی، یعنی روحانیون و غیر روحانیون دارای مناصب سیاسی نمود پیدا کرد.

۲-۴. رضایتمندی مردم از نظام

رضایتمندی مردم از حاکمان یکی از اصول اساسی است که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. کوشش در جهت کسب رضایت مردم، علاوه بر آنکه به لحاظ سیاسی اهمیت دارد، از منظر دینی نیز قابل تأمل است. عناصر دینی و سیاسی مؤثر در رضایتمندی، مردم را به سمت همبستگی درونی (اعتقادی) و برونی (مادی) افزون تر با نظام هدایت می نمایند. امام خمینی با لحاظ این مسأله به کارگزاران چنین توصیه می کند:

ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستہ گاهی موجب غضب الهی می شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد ... بنا بر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز بنمایید (امام خمینی ۱۳۸۷: ۵۴؛ ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۲۶).

۳-۴. بسترسازی برای مشارکت مردم

حکومت اسلامی جهت اداره مطلوب امور کشور، نیازمند به مشارکت گسترده مردمی است. آنچه از این حیث اهمیت می یابد، هنر زمامداران حکومتی در به کارگیری راهبردهای مؤثر در جذب و ترغیب اقشار مختلف مردم، به مشارکت در امور کشور است. برای این منظور بازشناسایی بسترها از طرف دولت و اقدام به تقویت آنان حائز اهمیت است. آنچه در نظام های سیاسی با ماهیت دموکراسی مرسوم است، قائل شدن به حق تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی برای مردم است که طبعاً حکومت اسلامی نیز از آن مستثنا نیست. لکن تفاوت اساسی در این است که مسأله تکلیفی بودن مشارکت مردمی بر مبنای تکالیف شرعی، مرکز ثقل و مبنای تعامل مردم و نظام را در حکومت اسلامی تشکیل می دهد (جاوید ۱۳۸۸: ۱۴۰). تکلیفی بودن امر مشارکت، مردم و حکومت را در امتداد رسیدن به هدفی مشترک، برای عمل به احکام الهی و اهتمام در حفظ و گسترش اسلام قرار می دهد. از طرفی دیگر، استبدادی نبودن حکومت اسلامی، و عدم تحمیل قوانین بشری بر مسلمانان و پذیرش مجموعه قوانین اسلام توسط آنان (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۱: ۴۴ - ۴۳)، می تواند در تهییج مردم به مشارکت عمومی با محوریت

دولت اسلامی مؤثر باشد. بر اساس نظریه فقهای شیعه پس از تشکیل حکومت اسلامی، اداره همه شئون حکومت در اختیار امام معصوم و در دوره غیبت در اختیار فقیه جامع‌الشرایط است (مؤمن قمی ۱۳۹۱: ۳۱۲) و اداره امور، نیاز به وجود کارگزارانی به‌منظور همراهی و یاری حاکم دارد و این امر لزوم مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی را بر اساس مبانی دینی اثبات می‌کند. از دیگر سو، فقها شرایط خاصی را برای تصدی این مناصب (مثل تصدی منصب قضا) بیان کرده‌اند (ر.ک: محقق حلی ۱۴۰۸ ج ۴: ۵۹؛ نجفی ۱۴۰۴ ج ۴۰: ۱۲؛ امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۸۲۴-۸۲۵) که می‌طلبند مردم در راستای مشارکت فعال در امر اداره حکومت اسلامی شرایط پذیرش مناصب حکومتی، را در خود ایجاد نمایند. یکی از جلوه‌های بارز مشارکت فعال و مسئولانه، حضور در انتخابات است که برای گزینش کارگزاران حکومتی برگزار می‌شود و مردم بر اساس تعهدی که به دین و نظام اسلامی دارند می‌بایست علاوه بر حضور در انتخابات، در مورد شرایط لازم برای تصدی مناصب حکومتی در عرصه‌های گوناگون آگاهی کسب کنند و شرایط مذکور را با نامزدهای تصدی مناصب تطبیق دهند تا از این طریق فرد اصلح را که کفایت محافظت از قوانین اسلام و حقوق ضعفا و شئون جامعه اسلامی را داشته باشد انتخاب نمایند (صافی گلپایگانی ۱۴۱۷ ج ۲: ۱۰۹). طبعاً ضرورت انتخاب کاندیداهای اصلح، مستلزم آن است که حکومت تمهیدات لازم را در این خصوص فراهم آورد و با افزایش امکان ارتقای سطح آگاهی جامعه از طرق مختلف به انتخاب اصلح کمک کند.

۴-۴. ساده‌زیستی مسئولان نظام

یکی از عواملی که در همگرایی مردم با نظام مؤثر است، بی‌پیرایه بودن زندگی رهبران و کارگزاران جامعه است. هرچند ساده‌زیستی برای تمام افراد جامعه ارزش محسوب می‌شود، اما برای مسئولان و مدیران جامعه، یک ضرورت است. امام علی^(ع) می‌فرماید: «خدا بر پیشوایان حق واجب کرده خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقرونداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند» (نهج‌البلاغه: ۳۰۷). درجایی دیگر می‌فرماید: «خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خودم و خوراک و پوشاکم مانند مردمان ناتوان عمل کنم تا اینکه فقیر به سیره فقیرانه من تاسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند» (کلینی ۱۴۰۷ ج ۶: ۴۱۰). بر این اساس، امام خمینی همواره بر ساده‌زیستی مسئولان و روحانیون تأکید می‌نمودند و آنان را از تجمل‌گرایی بر حذر می‌داشتند. ایشان در این باره می‌گوید:

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۳-۳۴۲).

ساده زیستی مسئولان آثار ارزشمندی در ترویج فرهنگ دینی، جلب محبت مردم، امنیت روانی و اجتماعی، تقویت عزت و اقتدار جامعه، و نهایتاً تثبیت حکومت اسلامی به همراه خواهد داشت. امام علی^(ع) می‌فرماید: «من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، از مغز گندم و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیهات که هوای نفس بر من چیره گردد و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد و یا هرگز شکمی نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهای سوخته وجود داشته باشد» (نهج‌البلاغه: ۳۹۵). ساده‌زیستی مسئولان موجب می‌شود که فرهنگ معنویت در بین مردم گسترش یابد و مردم از فروغلتیدن در دام حرص و طمع نجات یابند؛ چراکه مردم، مسئولان فرادست خویش را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند، مخصوصاً اگر شخص مسئول، منتسب به دین باشد. ساده‌زیستی مسئولان، قلوب مردم را به سوی آنان جلب کرده و آرامش روحی را به جامعه تزریق می‌کند. به همین دلیل است که در طول تاریخ، عالمان دینی که چنان مردم زندگی ساده و بی‌تکلفی داشتند موردعنايت و محبت مردم بودند و مردم که میان حرف و عمل این بزرگان تطابق می‌دیدند، از جان‌ودل مطیع آنان بودند. گرایش مردم در انتخابات متعدد به افراد مردمی و ساده‌زیست در همین راستا قابل تحلیل و بررسی است.

۴-۵. قانون‌مداری مدیران جامعه

التزام به قانون از شاخصه‌های مهم دولت اسلامی است. در بیانات امام بر قانون محوری و التزام دینی، تأکید شده است آنجا که بیان می‌دارد که در حکومت اسلامی هیچ‌کس از فرمانروایان مجال خودکامگی و خودرأیی ندارد (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۶۱۹). نیز می‌گوید: «اسلام بنیان‌گذار حکومتی است که در آن، نه شیوه استبداد حاکم است که آرا و تمایلات نفسانی یک‌تن را بر

سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانینی باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی آن وضع می کنند، بلکه حکومت اسلامی، نظامی است مُلهم و منبعث از وحی الهی که در تمام زمینه‌ها از قانونی الهی مدد می گیرد» (امام خمینی ۱۳۷۴: ۲۱-۲۰). بنابراین در نظریه سیاسی امام، دولت و حاکم اسلامی در چارچوب قانون و صلاح امت اسلامی اعمال حاکمیت می کنند.

۶-۴. رعایت اصل شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران

از بزرگ‌ترین عوامل مؤثر در واگرایی مردم از نظام، عدم رعایت شایستگی در مدیریت است. جلوس فرد بر مسندی که اهلیت آن را دارا نیست، سبب بدبختی خود او و تباهی امور مربوط به حوزه او می شود. امام علی^(ع) به شریح قاضی فرمود: «ای شریح! تو در جایگاهی نشست‌ای که در آن منصب، به جز پیامبر یا وصی پیامبر و یا انسان شقی نمی نشیند» (کلینی ۱۴۰۷ ج ۷: ۴۰۶). نصب مدیران شایسته از لوازم حکومت اسلامی است و همان گونه که امام خمینی تصریح کرده‌اند طبیعت حکومت اسلامی می طلبد افرادی با شرایطی خاص زمامدار امور بشوند. لذا از نظر ایشان علم به قانون و عدالت در زمامدار حکومت لازم است (ر.ک: امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۶۲۳) تا ضمن رعایت اصول امانتداری (امام خمینی ۱۳۸۱: ۷۳)، بتواند با مدیریت صحیح خود مردم را امیدوار به حکومت و آینده خویش نماید. قطعاً چنین انتصابات حکومت را از استبداد رأی به دور می سازد و زمینه‌ساز اجرای عدالت اجتماعی خواهد شد که در افزایش روحیه مشارکت و همگرایی مردم مؤثر است. انتصابات اگر بر مبنای منافع ملی و مصالح عمومی کشور باشد، به جای دست‌به‌دست شدن قدرت، مسئولیت‌پذیری از آن منتج می شود. مسئولیت‌پذیری و امانت‌داری، موجبات سلامت شغلی، شفاف‌سازی و بالا رفتن روحیه انتقادپذیری از جانب زمامداران و صاحبان امر را فراهم می آورد. در نتیجه، با افزایش اعتماد و اطمینان مردم نسبت به مسئولان نظام، انگیزه مضاعفی را برای مشارکت گسترده، همگرایی و کوشش در جهت حفظ نظام در سطوح جامعه ایجاد می نماید.

در کنار انتصابات، انتخاب نمایندگان شایسته از سوی مردم نیز در این حوزه مؤثر است، مخصوصاً با توجه به وظیفه نظارتی که مجلس شورا به عهده دارد. سؤال و استیضاح این فرصت را به نماینده می دهد تا در ساختار مدیریت کشور اداره امور و تغییرات و جابه‌جایی‌های وزرا و مدیران نقش آفرین باشد و قوه مجریه را در نحوه اجرای قوانین کنترل نماید. بر این اساس، دولت اسلامی وظیفه دارد که ابزار لازم را برای انتخاب صحیح مردم فراهم آورد.

۷-۴. رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم

تأمین نیازهای مادی مردم، به خصوص حمایت از فقرا و مستضعفان از وظایف حکومت اسلامی است. اقتصاد شکوفا، در تعامل مردم و نظام، نقشی راهبردی را ایفا می‌نماید؛ بدین معنا که با افزایش جمعیت فعال جامعه، آنان، علاوه بر همراهی با حکومت اسلامی و مشارکت در امور اقتصادی، با انگیزه روانی و توان مادی بالا، در دیگر عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، ترغیب به مشارکت و همراهی فزون‌تری با حکومت می‌شوند. از این رو در قرآن، عمران و آبادانی ستوده شده است: «... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا... (هود: ۶۱)؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت». امام علی^(ع) نیز درباره خطر فقر به محمد حنیفه سفارش نمود: «ای فرزندان! من از تهیدستی بر تو هراسانم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است» (نهج‌البلاغه: ۵۰۵). بدین روی اصلاح بلاد و عمران قلمرو حاکمیت خود، از توصیه‌های آن حضرت برای کارگزاران خود از جمله مالک اشتر، حاکم منصوب مصر بود (نهج‌البلاغه: ۴۰۳). پس اهتمام به تأمین معیشت، رفع فقر و محرومیت، امری است که در اسلام بدان توجه جدی شده و برای آن راهکارهایی چون پرداخت زکات (بقره: ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۲۷۷) و خمس (انفال: ۴۱) از یک سو و تأکید و تشویق به کار و تلاش برای تأمین معیشت خود در نظر گرفته شده است (ر.ک: کلینی ۱۴۰۷ ج ۲: ۵۵۳، ج ۳: ۴۷۳-۴۷۴، ج ۵: ۷۶-۷۹، ۸۸-۸۹). دیگر آنکه حکومت اسلامی می‌بایست دست کسانی را که بر دارایی‌های عمومی مسلمانان تعدی می‌کنند، کوتاه نماید و دارایی‌های عمومی را از دست آنان رها سازد. امام علی^(ع) در روزهای آغازین حکومت خود، تقسیم برابر بیت‌المال، استرداد اموالی که پیش از آن حضرت عده‌ای ناعادلانه تصرف نموده بودند و رفع گرسنگی از محرومان را جزو برنامه‌های اصلی و مهم حکومت خود اعلام نمود (نهج‌البلاغه: ۳۹).

۵. اقدامات امام در ایجاد همگرایی

امام خمینی با به کارگیری نظریه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی ایران، نقشی را برای مردم طراحی نمود که سبب‌ساز همگرایی افزون‌تر آنان با نظام و حفظ آن شده است. مصادیق پرشماری برای رویکرد عملی رهبری امام خمینی در جهت ضرورت همگرایی و حفظ نظام وجود دارد که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱-۵. بنای ساختار حکومت در قالب جمهوریت

امام خمینی در طول دوران حیات فکری و سیاسی خویش با توجه به شرایط زمانی و مکانی به تبیین شکل حکومت اسلامی پرداخته و آن را «جمهوری» اعلام کرده‌اند. این را می‌توان از بیانات ایشان پس از پیروزی انقلاب و نظریات یکی دو سال اخیر حیات ایشان فهم نمود. از نگاه امام، اسلام هم شکل حکومتی دارد و هم ندارد؛ یعنی اسلام دارای ضوابطی برای حکومت است که این ضوابط در حقیقت نوع خاصی از انواع حکومت را تعیین می‌نماید اما نسبت به اصناف یک نوع از حکومت، مسأله را به مقتضیات زمان و مکان و اقبال و ادبار مردم واگذار کرده است (قاضی زاده ۱۳۷۸: ۱۰۹). ایشان در پاسخ به خبرنگار تایمز لندن که این سؤال را مطرح می‌کند: چه نوع حکومتی در ایران مایلید ببینید؟ پاسخ می‌دهد: «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۳۸۹). درجایی دیگر می‌گوید: «ما جمهوری اسلامی را اعلام کرده‌ایم و ملت با راهپیمایی‌های مکرر به آن رأی داده است. حکومتی است متکی به آرای ملت و مبتنی بر قواعد و موازین اسلامی» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۳۹۱) آنچه از این بیانات حاصل می‌شود مؤید این نکات است که شکل حکومت، جمهوری؛ یعنی متکی به آرای اکثریت است، هرچند ماهیت آن اسلامی و متکی به قوانین مرفقی اسلام است.

قالب جمهوریت دادن به نظام، این پیام مهم را به همه گوشزد کرد که مردم در نظام اسلامی بازیگران اصلی در صحنه دفاع از آرمان‌ها و اهداف و پیشبرد کارها به سمت و سوی اهداف و مقاصد هستند، آنان خود، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کنند؛ حق دخالت در سرنوشت خود دارند و چیزی بر آن‌ها تحمیل‌شدنی نیست. بی‌شک فهم این نکته و اذعان به آن بار روانی بسیار مثبت و مطلوبی را در تحقق عملی همگرایی مردم با نظام خواهد داشت.

۲-۵. فرهنگ‌سازی مشارکت مردم در امور

امام، اصلی‌ترین منبع فرهنگ سیاسی ایران، یعنی ایدئولوژی دینی را به‌عنوان گفتمان محوری انقلاب و نظام معرفی نمود. از این رو عملکرد ایشان در فرهنگ‌سازی مشارکت مردمی متأثر از شرح مقدس اسلام و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است. پس از پیروزی انقلاب، مشارکت برای مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی به مشارکت در تعامل با نظام اسلامی مبدل

گشت. هویت بخشی فرهنگ دینی به سایر حوزه‌ها توسط امام به حضور گسترده مردمی در دوران دفاع مقدس و مشارکت گسترده عمومی برای ساختن نظام اسلامی پایدار منجر شد. نخستین نماد حضور گسترده معنوی مردم در جبهه‌های جنگ با عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا شکل گرفت. چراکه در آغاز جنگ بنی صدر تلاش کرد با اتکا به نیروهای ارتش (و فرعی دیدن نیروهای مردمی) و با تأکید بر روش‌های کلاسیک چند عملیات را با هدف آزادسازی مناطق اشغالی اجرا کند که در نهایت موفقیت چندانی به همراه نداشت (بنی صدر ۱۳۵۹ ج ۷: ۳) و با انتصاب سرلشکر فلاحی به‌عنوان جانشینی فرماندهی کل قوا از سوی امام، استراتژی جدیدی در جنگ از سوی مسئولین سیاسی نظامی کشور مطرح گردید که بر اساس آن روش‌های کلاسیک در جنگ به حاشیه رانده شد و تأکید اصلی بر استفاده بیشتر از نیروهای مردمی قرار گرفت (درویان ۱۳۷۵: ۴۷).

از راهبردهای امام خمینی جهت مشارکت دادن مردم در امور کشوری توجه به امر خطیر مشورت است: «تخلف از حکم ملت برای هیچیک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۶۵). نیز تأکید می‌کند که: «و الله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۳۱). وقتی که رهبر نظام خود را نیز ملزم به مشورت با کارشناسان بداند، تکلیف سایر مسئولان در رده‌های مختلف اجرایی و اداری روشن می‌شود. از اقدامات مهم امام در این راستا تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان بازوی مشورتی رهبری و راهکاری در رفع تنگناها بود (آشوری لنگرودی ۱۳۷۸: ۶۰). که خود در دایره مشورت با سران قوا انجام گرفت (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۹: ۴۶۷) و عملاً به نهادینه شدن اصل مشورت، کمک فراوانی کرد. حل و فصل بحران کردستان از طریق مشورت با مسئولان وقت (طباطبایی ۱۳۸۸ ج ۳: ۳۵۵)، پذیرش قطعنامه و بازگشت از نظر قبلی خویش، در اثر مشورت با فرماندهان نظامی، وزیرای اقتصادی و سایر مسئولان بلندپایه کشوری (درویشی سه تالانی ۱۳۸۵: ۴۱۸-۴۱۷؛ هاشمی رفسنجانی ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸)، انتخاب بازرگان به نخست وزیری به صلاحدید دیگران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نمونه‌هایی دیگر از این دست است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۹۲ و ۲۸۵). رویکرد مشورتی امام خمینی علاوه بر اینکه نظام را در برابر خطرات محافظت کرد و جنبه مشورت‌پذیری ایشان را به‌عنوان ولی فقیه بر همگان محرز نمود، به ارتقای سطح همگرایی مردم و حفظ نظام اسلامی منجر شد.

۳-۵. محوریت دادن به اصل تکلیف در انجام کارها

تکلیف محوری بدون تردید در جلب اعتماد مردم به نظام تأثیر شگرفی دارد؛ زیرا اذعان به این مطلب باعث خواهد شد که اقشار مختلف مردم به این باور برسند که مدیران و مسئولان نظام و در رأس آنها رهبری نظام دنبال منافع شخصی و گروهی نیست و در انجام وظایف گوش به فرمان خدا و رسول و عامل به احکام دین است. بر این اساس، امام خمینی می گوید: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم. ... ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۲۲). نیز در این زمینه متذکر شده‌اند: «نباید نگران باشیم که مبادا شکست بخوریم، باید نگران باشیم که مبادا به تکلیف عمل نکنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۷۰). نیز گفته‌اند: موضوع «ولایت فقیه» مأموریت و انجام وظیفه است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۵۵).

۴-۵. تلاش در فرهنگ‌سازی ساده‌زیستی مسئولان

یکی از خصلت‌های لازم برای مدیران در نظام اسلامی ساده‌زیستی است که باعث جذب دل‌ها، ممانعت از غفلت نسبت به زیردستان، جلوگیری از طغیان مردم مستمند و همگرایی آنها با نظام می‌شود. از این رو خداوند آن را بر زمامداران واجب کرده است. امام علی^(ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَىٰ أئِمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (کلینی ۱۴۰۷ ج ۱: ۴۱۱)؛ خداوند عزوجل بر رهبران عادل واجب کرده است که خود را با مردم ضعیف برابر قرار دهند تا تنگدستی شخص فقیر او را به طغیان نکشانند.

امام صادق^(ع) نیز در بخشی از یک حدیث می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي وَاجِدٌ أَنْ أُطْعِمَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلَىٰ وَجْهِهَا وَ لِكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيْشَةِ» (کلینی ۱۴۰۷ ج ۵: ۱۶۶)؛ خدا می‌داند که من توان اطعام خانواده‌ام را با گندم خوب دارم؛ اما دوست دارم خداوند مرا طوری ببیند که برای زندگی برنامه‌ریزی نیکو انجام داده‌ام. امام خمینی نیز به تبع ائمه هدی^(ع) و با توجه به آثار و تبعات تجمل‌گرایی مصرأ می‌فرمود: «سرچشمه همه مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان - به اصطلاح خودشان - از آنها باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۴۴۳). نیز خطاب به مسئولان می‌فرمود: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۵۳)؛ چنانکه فرمود: «شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیاید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه

است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین تر از عادی» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۱۸).

۵-۵. شفاف‌سازی در تصمیمات اجرایی

یکی از موانع همگرایی مردم یک کشور با نظام حاکم، عدم شفافیت و مخفی کردن موضوعات و وقایع نظام از مردم است که راه را بر سوء تفاهات باز خواهد کرد و در مشارکت فعال و مسئولانه آنان در حل مشکلات نظام و ساماندهی به امور تأثیر منفی می‌گذارد؛ چراکه معمولاً تصمیم‌های پشت پرده مسئولان، زمانی فاش خواهد شد و حمایت و همدلی مردم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. شفافیت و یکر و بودن با مردم باعث ایجاد اعتماد و اعتقاد آنان به نظام می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل همگرایی، برقراری رابطه اعتماد میان مردم و مسئولان است. نمونه آن موضوع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و ارائه توضیح برای مردم است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۹۲). دیگری انتخاب بازرگان به نخست‌وزیری است. در این خصوص می‌گوید: «من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گر چه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاح‌دید و تأیید دوستان قبول نمودم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۵).

۵-۶. جهت‌دهی به مردم در نفی سلطه

یکی از مواردی که امام به صورت گفتمان رایج کشور در آورد موضوع نفی سلطه و استکبار جهانی است. این گفتمان، تأثیرات زیاد و گوناگونی داشت که از جمله آن‌ها ایجاد وحدت بین مردم و مسئولان حول محور نفی تسلط اجانب و در نتیجه، همگرایی عامه مردم با نظام است. ایشان در این خصوص تأکید داشت: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مُسَلَّم بر مُسَلَّم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین؛ و این قدرتهای فاسده راه نباید داشته باشند بر مسلمین» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۱۷). در همین راستا راهبرد «نه شرقی نه غربی» را تعریف کرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۳۸۹).

تلاش امام در رواج این گفتمان، برآیند توجه تام و تمام ایشان به قاعده مشهور نفی سبیل است که مستند به دلایل متعددی از جمله این آیه است: «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. این آیه مورد استناد فقها در اثبات قاعده مذکور قرار گرفته است (موسوی بجنوردی ۱۴۱۹ ج ۱: ۱۸۷).

۷-۵. تلاش در تعمیق وحدت بین مردم

وحدت و انسجام ملی از جمله راهبردهای امام در تقویت و حفظ نظام اسلامی است. از این رو در *وصیت نامه الهی - سیاسی* خود چنین نوشته است:

بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است (امام خمینی ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰؛ ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۰۴).

در ادامه می‌افزاید:

امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است. توصیه این جانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند (امام خمینی ۱۳۸۷: ۲۰؛ ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۰۴).

البته مراد از وحدت این نیست که همه یک فکر و سلیقه در امور مختلف سیاسی، اجتماعی و ... داشته باشند؛ بلکه در عین اختلاف نظر که خود می‌تواند باعث پیشرفت امور شود، هدف مهمی را که همان حفظ نظام و دستیابی به آرمان‌های بلند آن است رصد کنند و با هم دشمنی نورزند. لذا امام تأکید می‌نماید:

البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۷).

طبیعی است که هر چه وحدت ملت بیشتر باشد همگرایی آن‌ها با نظام مستحکم‌تر خواهد شد.

۸-۵. توغیب به بصیرت افزایی

اهمیت وجود بصیرت در انسان تا بدان جاست که بی‌بصیرتی سبب تنزل رتبه او از حیوانات می‌شود. در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹)؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آن‌ها دل‌ها [عقل‌ها] بی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند!) شاید به تأسی از این آیه است که امام خمینی داشتن بصیرت را معیار تحقق انسانیت می‌داند: «انسان با روح انسان است؛ با بصیرت انسان است... آنی که انسان را از همه موجودات جدا می‌کند، از همه موجودات طبیعی جدا می‌کند، آن قلب انسان است؛ آن بصیرت انسان است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۶۲).

مردمی که بصیرت سیاسی دارند، خطرهایی که حکومت را تهدید می‌کند بهتر تشخیص می‌دهند و در همکاری به موقع و به جا با حکومت مصمم می‌شوند. از این رو امام خمینی با هشدار دادن نسبت به توطئه دشمن (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۷۸-۲۷۷)، این گونه تشویق به بصیرت افزایی می‌کند: «همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۲۹-۳۲۸).

۹-۵. محوریت دادن به رفع فقر و محرومیت‌ها

یکی از خواسته‌های جدی امام خمینی که آن را به عنوان یک وظیفه و مسئولیت برای کارگزاران

حکومتی تعریف کرده بود، حمایت از محرومان و مستضعفان بوده؛ به طوری که به صورت یک گفت‌وگو عمومی در جامعه درآمده است. ایشان در حمایت از محرومان و محوریّت دادن به رفع فقر چنین گفته‌اند:

همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بریندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیارد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیا و امیر المؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۱). بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۱).

نکته کلیدی در این فرمایش امام آن است که رسیدگی به مستضعفان و رفع محرومیت از کشور، نقطه ناامیدی دشمن، تلقی شده و این که امام کاملاً آگاهانه روی این موضوع تمرکز کرده و متوجه آثار آن بوده‌اند. در واقع امام می‌دانستند عامل مهم همگرایی مردم با نظام، توجه به رفع مشکلات و فقرزدایی است و روشن است که همگرایی مردم با مسئولان امیدبخش برای نظام و نقطه یأس برای دشمنان خواهد بود.

۱۰-۵. تعمیق روحیه ایثار و فداکاری

بی‌شک روح فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه در تقویت همگرایی مردم با نظام و تحمل شدایدی که نوعاً به دنبال خود واگرایی را سبب می‌شوند، مؤثر است. امام خمینی با عمل، رفتار و گفتار خود این موضوع را در جامعه اسلامی منتشر کرد و به شدت گسترش داد که نمونه‌ی اعلای آن را می‌توان در دفاع مقدس مشاهده کرد. علاوه بر این نمونه عینی، امام در مدح روحیه ایثارگری و فداکاری بیانات فراوانی دارند که در تعمیق آن مؤثر بوده است. ایشان علاوه بر اینکه جانبازان را رهبران نهضت خوانده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۱۴). تأکید داشته‌اند: «مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه گوشه این مرز و بوم به دین

باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می‌دهند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۴۷).
همچنین در مدح شهادت گفته‌اند: «شهادت عزت ابدی است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۴۱).
و «شهادت فخر اولیا بوده است و فخر همه ما» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۲۱).

۱۱-۵. قائل شدن به حق نظارت برای مردم

حق نظارت مردم بر مسئولان نظام علاوه بر اینکه از طغیان احتمالی آنان جلوگیری می‌کند باعث نزدیک شدن قلوب مردم به مدیریت جامعه خواهد شد که بالمآل در همگرایی روزافزون ملت با نظام مؤثر است. از این رو امام در دیدار با سران برخی از کشورهای اسلامی حکومتی را موفق دانسته است که بر قلب‌ها حکومت داشته باشد: «من لازم می‌دانم که به شما آقایان که در رأس بعضی از کشورهای اسلامی هستید نصیحت کنم. شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید؛ نه حکومت بر ابدان، و قلوب از شما کناره بگیرند. مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند، حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۷۹). نیز فرموده‌اند: «حکومت این کشور حکومت بر ابدان نیست؛ حکومت بر قلوب است قلوب مردم با کسانی که در این کشور حکومت می‌کنند همراه است. و ملت است که حکومت می‌کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۸۰). روشن است که یکی از عوامل مهم حکومت بر قلب‌ها، اذعان به حق نظارت برای آنان است؛ زیرا مردم باور می‌کنند که حاکم جامعه و مدیران، خود را در برابر مردم، مسئول و پاسخگو می‌دانند و رابطه بین حاکم و مردم دوسویه است. از این رو یکی از موضوعات مورد تأکید امام خمینی حق نظارت همگانی بوده است: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۴۸). نیز می‌گوید: «ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، ... ممکن است یک وقت به تباهی بکشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۷).

۱۲-۵. تلاش در نهادینه کردن قانون‌مداری بر محور عدالت

حکومت اسلامی، حکومتی قانونی آن‌هم منحصر در قانونی الهی است که هدف از تشکیل آن اجرای قانون بر اساس عدالت است (ر.ک: امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۶۲۳)؛ از این رو ضرورت دارد حاکم اسلامی عالم به قوانین و عادل در اجرای احکام و قوانین باشد (ر.ک: امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲: ۶۲۳). از اینجا می‌توان استنباط کرد که در نظام اسلامی، اصل، اجرای قانون بر اساس عدالت است

و تشکیل حکومت، نقشی مقدمه‌ای و آلی دارد. از طرفی دیگر عمل به قانون و قانون محوری از سوی مسئولان و مردم، باعث همدلی و همگرایی خواهد شد و عملکرد قانون‌مدار مسئولان در انجام امور مملکتی و در ارتباط با مردم که مظهر رعایت عدالت در جامعه است، می‌تواند عامل اساسی ارتقادهنده همگرایی مردم با نظام باشد و انگیزه مردم را در دفاع از نظام بیشتر کند. نهادینه کردن قانون محوری بر پایه عدالت نیازمند سه امر مهم است: الف - تدوین قوانین عادلانه در چارچوب دین؛ ب - اجرای قوانین؛ ج - نظارت بر اجرای قوانین؛ این موارد در زمان امام و با نظارت ایشان، با تشکیل مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه و قوه قضائیه عملیاتی شد.

افزون بر این، امام همواره بر اجرای قانون و عدالت‌مداری تأکید می‌کرد. در اینجا به برخی بیانات ایشان اشاره می‌شود: «حکومت اسلامی حکومت دیکتاتوری نیست. مذهب مقابل اینها ایستاده. اسلام مقابل دیکتاتورها ایستاده» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۰۶)؛ «یک همچو اسلامی که عدالت باشد در آن، اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد، اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه در سواء در مقابل قانون باشند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۲۵) و «در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است، و آن قانون الهی. پیغمبر اکرم هم به همان عمل می‌کرده است؛ خلفای او هم به همان عمل می‌کردند؛ حالا هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می‌کند. شخص هیچ حکومتی ندارد. آن شخص و لو رسول خدا باشد، و لو خلیفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۲۵).

۶. نتیجه

همگرایی مردم، یک قدرت بالقوه است که در صورت بالفعل شدن، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نظام در مواجهه با تهدیدات و دفع خطرات و امکان استفاده از فرصت‌ها را افزایش می‌دهد و با تولید قدرت نرم برای نظام، در افزایش قدرت سخت آن و در نتیجه قوام دولت اسلامی مؤثر خواهد بود. از عوامل مهم و مؤثر در این زمینه، وجود نهاد مرجعیت دینی و رهبری سیاسی، رضایتمندی مردم از نظام، بسترسازی برای مشارکت مستمر و گسترده مردم در اداره کشور؛ مردمی بودن مسئولان نظام، ساده‌زیستی و قانون‌مداری آن‌ها؛ انتصاب و انتخاب مدیران شایسته، رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم و حمایت از مستضعفان است و امام خمینی با وقوف بر این راهبرد، با استفاده از نهاد مرجعیت و رهبری، تأسیس حکومت اسلامی در قالب جمهوریت، بسترسازی برای مشارکت مردم در اداره کشور، محوریت دادن به اصل تکلیف، قانون و عدالت اجتماعی، ترویج فرهنگ ساده‌زیستی، تعمیق وحدت میان مردم، توجه دادن مسئولان

به امر فقرزدایی، ترویج ایثارگری و به رسمیت شناختن حق نظارت برای مردم به تحقق عوامل همگرایی عینیت بخشید.

منابع

- آبراهامز، جی.اچ. (۱۳۶۳) *مبانی و رشد جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش، چاپ دوم، ۱ جلد.
- آشوری لنگرودی، حسن. (۱۳۷۸) «امام خمینی و حفظ مصالح نظام»، *حوزه*، شماره ۴.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- _____ . (۱۳۷۴) *شئون و اختیارات ولی فقیه*، ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱ جلد.
- _____ . (۱۳۸۱) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)* تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ یازدهم، ۱ جلد.
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام* (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- _____ . (۱۳۸۷) *وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (س)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ نوزدهم، ۱ جلد.
- _____ . (۱۴۲۱ق) *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۵ جلد.
- _____ . (بی تا) *کشف اسرار*، بی جا، بی نا.
- اشرفی، اکبر. (۱۳۸۲) «نقش مرجعیت در رهبری سیاسی امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، شماره ۲۱.
- بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۵۹) *روزها بر رئیس جمهور چه می گذرد*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱ جلد.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم، ۱ جلد.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹) «میزگرد وفاق اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۲ و ۳.
- جاوید، محمدجواد. (۱۳۸۸) *نظریه نسبیت در حقوق شهروندی*، تهران: نشر گرایش، چاپ اول، ۱ جلد.
- جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۷) *ولایت، فقهت، عدالت*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱ جلد.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق) *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۳۰ جلد.

- حکیم، محمد تقی. (۱۴۱۸ق) *الاصول العامة للفقهاء المقارن*، تهران: المجمع العالمي لأهل البيت، چاپ اول.
- درودیان، محمد. (۱۳۷۵) *از خرمشهر تا فاو*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱ جلد.
- درویشی سه تلانی، فرهاد. (۱۳۸۵) *سیره عملی امام خمینی در اداره امور کشور (۱۳۶۸-۱۳۵۷)*، تهران: انتشارات عروج، چاپ دوم، ۱ جلد.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳) *نعت نامه*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۴ جلد.
- ریمون، آرون. (۱۳۹۳) *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱ جلد.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۸۳) *تاریخ تحلیلی اسلام*، قم: انتشارات آیت عشق، چاپ چهارم، ۱ جلد.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۷۸) «میزگرد پیرامون همبستگی ملی و وفاق اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱.
- شعبانی، محمدرضا. (۱۳۸۰) *نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران*، پایان نامه دکتری، رشته مدیریت.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۱۷ ق) *جامع الأحكام*، قم: انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، چاپ چهارم، ۲ جلد.
- طباطبایی، صادق. (۱۳۸۸) *خطرات سیاسی- اجتماعی*، تهران: عروج، چاپ دوم، ۳ جلد.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۴۱) *اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱ جلد.
- قاضی زاده، کاظم. (۱۳۷۸) *ولایت فقیه و حکومت اسلامی در منظر امام خمینی*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱ جلد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق) *الکافی*، علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۸ جلد.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق) *شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، با تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۴ جلد.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن. (۱۴۱۹ق) *القواعد الفقهیه*، مهدی مهریزی - محمدحسن درایتی، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ۷ جلد.
- مؤمن قمی، محمد. (۱۳۹۱) *الولاية الالهية الاسلامية أو الحكومة الاسلامية*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، چاپ دوم، ۱ جلد.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق) *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*، با تحقیق و تعلیق عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۴۳ جلد.
- *نهج البلاغه*. (۱۳۸۹) ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات پیام مقدس، چاپ دوم.

- واعظی، احمد. (۱۳۸۴) *حکومت اسلامی*، تهران: انتشارات نور مطاف، چاپ اول، ۱ جلد.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۹۰) *پایان دفاع - آغاز سازندگی*، کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۷ به اهتمام علیرضا هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱ جلد.
- _____ (۱۳۸۹) *دفاع و سیاست*، کارنامه و خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۶ به اهتمام علیرضا هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱ جلد.